

مقاله پژوهشی

مبانی گفتمان انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی (ره)

مجتبی شیرافکن^۱، دکتر اکبر اشرفی^۲، دکتر حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱

چکیده: هدف نوشتار پیش روی، بررسی مبانی گفتمان انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی است که با روش تحلیل گفتمانی انجام شد. یافته‌های مقاله مبین این نکته است که؛ دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی، اسلام سیاسی است و امام خمینی نیز بر اساس این دال مرکزی، ضمن نفی حاکمیت نظام سلطنت طاغوتی و با تأکید بر محوریت معیارهای اسلامی در اداره کشور، نظام جمهوری اسلامی را پایه‌ریزی نمود؛ براین‌اساس نتیجه حاصل این پژوهش گویای این است که؛ پایه‌ریزی حاکمیت جمهوری اسلامی با نظر داشت دال برتر یعنی معیارهای متعالی اسلام و عناصر استقلال، آزادی و جمهوریت، تحولی شگرف در سطوح داخلی و روابط خارجی ایجاد کرد و رسالت خود را در هدایت انسان‌ها و محرومیت‌زدایی، استبداد ستیزی و قانون‌گرایی در گفتمان انقلاب به ظهور رسانید.

واژگان اصلی: استقلال، اسلام سیاسی، امام خمینی، جمهوری اسلامی، گفتمان انقلاب اسلامی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد تهران جنوب دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران. mojtaba.shirafkan@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسوول)

akbarashrafi552@gmail.com

۳. استاد گروه علوم روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

hab-Abolhassanshirazi@iauctb.ac.ir

مقدمه

طرح نظریه گفتمان بر اساس نظریه لاکلا و موف^۱ مبتنی بر ایده «مفهوم هژمونی» است که بر بعد سیاسی جامعه و مجموعه‌ای معنادار تأکید دارد (حسین‌زاده، ۱۳۸۳). با توجه به این رویکرد نظری، در فرایند انقلاب اسلامی، گفتمان هژمونیک مبتنی بر اسلام شیعی به رهبری امام خمینی باهدف سرنگونی نظام شاهنشاهی، به دنبال ایجاد تغییرات اساسی در نظام حکومتی ایران و تعیین ساختارهای نوینی با طرح‌ریزی تحول‌گفتمانی از طریق انقلاب اسلامی بود که نه قابل‌توقف بود و نه پذیرای انجام اصلاحات در بدنه حکومت شاهنشاهی، بلکه بر اساس دال مرکزی خود در پی تشکیل حکومتی مبتنی بر اصول اسلامی بود.

فراگیری و تعمیق گفتمان انقلاب اسلامی با پذیرش ذهنیت مردمی که وفادار به اصول و ارزش‌های معنوی بودند، دال مرکزی گفتمان یعنی اسلام به شکلی درونی رشد کرد و همراه با عاملیت سوژه سیاسی آن با نقش رهبری امام خمینی (ره) از توقف و انسداد محفوظ ماند و با جوشش درونی توده‌های عظیم ملت توانست ضمن ادامه حیات و بالندگی در عرصه‌های مختلف در دامان آزادی‌های سیاسی چنان که "رازانی و محمدزاده" (۱۴۰۰) نیز تأکید دارند، بستری مناسب برای ظهور و حضور خرده گفتمان‌های رقیب در دهه‌های آتی فراهم آورد به طوری که عناصر نظام صدقی گفتمان انقلاب اسلامی که وابستگی تام به ریشه‌های ارزشی داشت، به شکلی عمیق توانست در مسیر خود ضمن گسترش دستاوردهای عملی با حمایت از توده‌های وابسته به دال مرکزی، به گفتمان خود که در بیان اصول انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی (ره) همراه بود نسبت به خرده گفتمان‌های درونی آن در دوره مختلف قوام و استحکام بیشتری بخشد. چرا که دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی با ارائه طرح بازگشت به اسلام و حاکمیت مردم توانست مسئله استقلال، آزادی و جمهوریت را به معنای بازگشت به حاکمیت مردم و تعیین سرنوشت کشور از طرف مردم و سهیم بودن آنها در تعیین سرنوشت خود در این فرایند، بازگشت حاکمیت مردم که با شعار اسلامیت همراه بود دنبال نماید. چرا که مردم جمهوریت را بدون حاکمیت اسلام قبول نداشتند و هدایت

¹ Laclau, E and Mouffe, 2001

به‌سوی تعالی در گفتمان انقلاب اسلامی، زمینه‌ای برای ایجاد فضیلت‌های اخلاقی در جامعه را فراهم می‌ساخت؛ از این‌رو، دال برتر و متعالی انقلاب اسلامی با رسالتی مبتنی بر گسترش معیارهای دینی در فضای داخلی و جغرافیای جهانی برای هدایت و جذب انسان‌ها، توانست عناصر برتر خود را به‌عنوان دال‌های شناوری مانند آزادی، عدالت، استقلال، محرومیت‌زدایی، استبداد ستیزی و قانون‌گرایی در گفتمان انقلاب به‌ظهور رسانید. چنان‌که امام خمینی (ره) در منابع مختلف؛ (امام خمینی، ۱۹۹۲، جلد ۳: ۱۵۴ و جلد ۲: ۲۸۸؛ امام خمینی، ۱۹۹۹: ۲۳۹) در بیان دال برتر، ضمن اشاره به جمود حاکم بر حوزه‌های علمیه دوران قبل از انقلاب اسلامی و برچسب وابستگی حرکت‌های دینی به تفکر مارکسیستی و یا قدرت‌های خارجی (انگلیسی) به این‌که تنی چند از عالمان دین‌باور با همراهی مردم تمام تلاش خود را برای عبور از جریان حاکم بکار بردند تا توانستند از آن فضای خفقان و با ایده بی‌محتوای کردن احکام دینی همراه بود عبور کنند. همچنین ایشان از بُعد سلبی در انتقاد شدید از حکومت پهلوی که پادشاهی موروثی را با وابستگی به آمریکا و غرب دنبال می‌کرد و ضمن وابستگی اقتصادی به آنها، دشمنی با مذهب را به‌عنوان ایده‌ای دست‌یافتنی برای افول ارزش‌های دینی از طریق گسترش فساد و فحشا دنبال می‌کرد با حاکمیت قدرت بر مطبوعات، ممنوعیت احزاب و عدم اتکا به آرای مردم، آزادی بیان و مطبوعات را تحت سلطه خود درآورده بود، به بیان نظرات خود که تبلور احکام اسلامی بود پرداختند و در نهایت منجر به پیروزی دال مرکزی انقلاب اسلامی شد. با نگاهی به جریانات حاکم بر علیه این رویکرد، می‌توان اذعان نمود که پایه‌گذاری و ترویج این دال برتر راهی سخت و پر از فراز و فرود همراه با دشواری‌های ضدیت با آن بوده که باهمت والا و سخت‌کوشی وافر رهبری وقت همراه بوده است. باتوجه‌به این رویکرد امام خمینی به معرفی و برتری دال برتر (اسلام)، گفتمان انقلاب اسلامی از یک‌سو، بسیاری از عناصر گفتمان‌های سیاسی - اجتماعی موجود، مجال و امکانی برای «بازی‌های زبانی» دیگر و پژواک صدای «سوژه‌های تحت انقیاد» فراهم می‌ساخت و حتی در درون خود به انشقاق اسلام "ناب" از اسلام آمریکایی توجه داشت. با وصفی که از گفتمان انقلاب شد، می‌توان به‌عنوان یک فرضیه این مسئله را مطرح کرد که می‌باید از پدیده جدیدی در ایران سخن گفت و آن ظهور گفتمان مستقلی با

عنوان " گفتمان انقلابی " در دوران معاصر است. برخی منابع در این خصوص به بیان نظریات اندیشمندان پرداخته‌اند، چنان‌که؛ عبدالهی (۱۳۹۳) در پژوهشی با موضوع بررسی تحلیلی چرایی غلبه گفتمان اسلامی در انقلاب اسلامی ایران، سعی کرده چرایی تسلط و هژمونی اسلام سیاسی در فرایند انقلاب ۱۳۵۷ را تبیین کند. در این راستا نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف را مبنای نظری و روش‌شناختی خود قرار داده و با تبعیت از این نظریه به پاسخگویی به پرسش فوق برآمده است؛ شهبازی راد (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان تحلیل گفتمان رهبری انقلاب اسلامی به دنبال بررسی گفتمان امام در دوره‌های مختلف و یافتن چگونگی مفصل‌بندی دال‌های مختلف در آن است. پژوهش، کیفی توصیفی از جنس تحلیل گفتمان لاکلا و موفه است؛ محمدی (۱۳۹۲) در پژوهشی با موضوع تأثیر انقلاب اسلامی بر گفتمان‌های مارکسیسم لیبرالیسم در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بر آن است تا در چارچوب نظریه گفتمان لاکلا و موفه که نظریه‌ای نشانه‌شناختی برای تحلیل گفتمان‌های سیاسی است، تأثیرات گفتمان انقلاب اسلامی ایران را بر دو گفتمان مارکسیسم و لیبرالیسم در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بررسی کند و شامی خاکی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان تحلیل گفتمانی رابطه سیاست و فرهنگ در انقلاب اسلامی، با تأکید بر گفتمان اسلامی امام خمینی (ره) معتقد است، بررسی ابعاد نظری گفتمان انقلاب اسلامی، دو حوزه سیاست و فرهنگ و نقش آن در ارتباط هژمونی گفتمان مذکور، هژمونی در عرصه رقابت با سایر گفتمان‌های موجود، امری بسیار ضروری و درخور توجه است. چنان‌که مشاهده گردید پژوهش‌های فوق به جنبه‌های خاصی از گفتمان انقلاب اسلامی اشاره دارند؛ لذا پژوهش پیشروی در وجه بیان و تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی (ره) به نکات برجسته این گفتمان در نظریات و بیانات امام خمینی (ره) پرداخته است که می‌تواند نکته برجسته این نوشتار باشد. با وصفی که از گفتمان انقلاب شد، می‌توان مسئله موردتوجه مقاله پیشروی را چنین طرح نمود که در "گفتمان انقلاب اسلامی"، دال مرکزی یعنی "اسلام" به‌عنوان عنصر اصلی نجات جامعه ایران از کاستی‌های قبل از انقلاب موردتوجه امام خمینی (ره) در دوران معاصر است.

۲- چارچوب نظری

نظریه گفتمان بخصوص در حوزه سیاسی بر نقش زبان در بیان و انعکاس واقعیت‌های موجود در حوزه‌های مختلف اجتماعی تأکید دارد؛ چنان که "لوی استروس" در این زمینه بر این نکته تأکید دارد که؛ هر نشانه بر اساس موقعیت‌های مختلف، معانی متعددی به دست می‌آورد. بر اساس نظر سوسور، تحلیل ساختاری وی کوششی برای یافتن ساختارهای غیرقابل‌تغییر یا کلیاتی صوری^۱ است که بازتاب‌دهنده ماهیت خرد آدمی‌اند (ضمیران، ۱۳۷۹: ۱۳۴). نظریه‌پردازان گفتمان همچون سوسور (ساختارگرایی) در مورد هویت ارتباطی نشانه‌ها را می‌پذیرند، ولی تمایز دقیق زبان و گفتار را نمی‌پذیرند. چنان که "ژاک دریدا" پسا ساختارگرایی را همراه با مفهوم شالوده شکنی^۲ مطرح کرد. نظریه دریدا بیانگر این است که؛ تثبیت کامل معنا و رسیدن به یک نظام بسته گفتمانی امکان‌پذیر نیست (Howath, 2000. 43) و "میشل فوکو"، عناصر همسوی یک نظام زبانی معرفتی را گرد آورد و قواعد حاکم بر آنها را معین کرد (ضمیران، فوکو، ۱۳۷۸: ۴۸)؛ ولی درعین حال با توجه به نظر عرب‌عامری (۱۳۹۵)، لاکلا و موف معتقد هستند که؛ آموزه گفتمان به‌نوعی ریشه در شکلی از تحلیل فلسفه مدرن دارد که نشان از چرخش استعلایی این فلسفه است که به شرایط امکان آنها و نه امور واقع پرداخته است و این موقعیت‌های سوژه‌ای است که از طریق روابط متمایز با موقعیت‌های سوژه‌ای دیگر ساخته می‌شود (Smith, 1998: 64)؛ بنابراین هر فرد می‌تواند موقعیت‌های سوژه‌ای مختلف داشته باشد (Howarth, D. Noarval, A. 2000: 13)؛ در حوزه اجتماعی نیز اعمال هژمونیک به شکلی خصمانه با پروژه‌های مختلفی که با هم در نزاع و رقابت‌اند و عناصری که می‌توانند جذب و مفصل‌بندی شوند همراه است. چرا که هژمونیک شدن یک گفتمان به معنای موفقیت آن در تثبیت معانی موردنظر خود است (حسینی زاده، ۲۰۰۷: ۱۱۹۰) که

¹ formal universals

² Deconstruction

به صورت به هم پیوسته و منسجم می‌شوند (Luclua, E, Butler, J. 2000:53). (Zizek, S,

در اینجا باید بر این نکته تأکید نمود که؛ آنچه نظریه تحلیل گفتمانی "لاکلا و موف" اتکای بر واقعیت‌های موجود دارد نه بر اصول ذهنی و اندیشه فکری. از این رو در مباحث این گفتمانی واقعیت‌های جامعه و سیاست حاکم بر حوزه‌های مختلف اجتماعی را با نگرشی نو و جدید مبتنی بر مباحث واقعی برانگیزنده اجتماعی - سیاسی سرایت دادند. هر چند در این زمینه برخی به دو نوع تغییر و تحول گفتمانی دست یافته‌اند. یکی تغییر از گفتمان به معنای دگرگونی و دگردیسی بنیادین، فراگیر و ماهوی که نشان از اصول حاکمه یک گفتمان دارد و دیگری تغییر در گفتمان که همه‌جانبه و ماهوی نبوده و ممکن است مفاهیم فرعی در سطوح بالایی تحول یافته و دستخوش تغییر شوند؛ بنابراین می‌توان اذعان نمود که تغییرات گفتمانی و تحولات آن می‌تواند از عمق و گستردگی یکسانی برخوردار نباشد و به یک‌میزان آن را متحول نمی‌سازند (دهقانی فیروزآبادی، ۲۰۰۵: ۲۶)؛ ولی در عین حال باید بر این نکته تأکید نمود که در تعریف امر سیاسی به وسیله گفتمان‌ها مرزهای هویتی میان نیروهای "خودی" و "دیگری" را به صورت نزاع‌های سیاسی در یک جامعه معنا و شکل می‌دهد (خرم شاد؛ جمالی، ۱۳۹۷: ۳۲). سوژه‌ها در درون ساختار گفتمانی به هویت شناخت از خود دست می‌یابند و آنگاه که قادر به اعطای هویت به عوامل اجتماعی نباشد سوژه سیاسی امکان ظهور می‌یابد؛ به عبارتی دیگر، سوژه‌ها بر لبه‌های متزلزل ساختارهای گفتمانی ایجاد می‌شوند (Laclau 1990: 60).

نظر به آنچه در مباحث نظری گفته شد، گفتمان‌ها از طریق محورها و عناصری همچون فردیت، عاملیت و استیلا که در خود دارند به ایجاد مرزهای سیاسی که گاه در ضدیت و تضاد با سایر گفتمان‌ها است؛ تصمیم‌گیری و عملکرد کنش‌گران را حول محوریت فردی با دریافت موقعیت سوژه در گفتمان‌های مختلف و مشخص نمودن قاعده بازی همراه با بیان معانی به شکل صورت‌بندی خاص را دنبال می‌کنند تا از این طریق ضمن متمایز کردن چارچوب گفتمان، هویت خود را شکل دهند (دیوید مارش و استوکر، ۱۹۹۹: ۲۱۲). بر اساس آموزه‌های دریافت شده از مبانی نظری پیش‌گفته

بخصوص دیدگاه‌های فوکو، لاکلائو و موفه، یکی از ویژگی‌های گفتمان انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) به طور الزامی، مبتنی بر تغییرات همه‌جانبه و بنیادی بود. با این فرض می‌توان اذعان نمود که در تحولات ایران نیز مرزبندی‌های سیاسی بیانگر گفتمان‌های منتج از تحولات بوده است. ظهور و ثبوت انقلاب اسلامی ایران در نیمه دوم قرن بیستم از مهم‌ترین رخداد‌های سیاسی محسوب می‌شود که اندیشه و اقتدار رهبری حول محور دال مرکزی در یکی از مهم‌ترین مناطق جغرافیای سیاسی - اقتصادی و بحرانی‌ترین مناطق جهان یعنی خاورمیانه، شگفتی‌ساز بوده است.

جمهوری اسلامی ایران با آغاز حاکمیت سیاسی خود با رهبری و جمهوری اسلامی ایران با آغاز حاکمیت سیاسی خود با رهبری شریعت محور و قاطع به تثبیت گفتمان خویش ادامه داد. هر چند در این دوره می‌توان شاهد خرده گفتمان‌هایی بود که بر محور دموکراتیک اسلام سیاسی با ایده اصلاحات سازنده و آرمان‌گرایی اسلامی انقلابی با محوریت معیارهای تشریحی در میدان رقابت به بازیگری و نقش‌آفرینی سیاسی پرداختند و گاه با تثبیت اندیشه‌ها و باورهای اصلی خود به شکل مشروع‌سازی دال‌های شناور سعی در استیلای گفتمان خویش داشتند.

۳- ویژگی‌های گفتمان انقلابی

تضاد میان سنت و مدرنیته در ایران با جنبش مشروطه، به شکل‌گیری جریان‌های مختلف در حوزه‌های سیاسی و اندیشه فلسفی - دینی با ارزش‌های فرهنگی آن و اصول تحول‌پذیری اقتصادی - اجتماعی و ظهور جریان نوگرایی دموکراسی اجتماعی در دفاع از مدرنیته ولی به شکلی متفاوت و با اختلاف اساسی میان عناصر بنیادی آن از جمله؛ آزادی و کثرت‌گرایی باعدالت، برابری، توسعه و قانون‌گرایی شکل گرفته که منجر به تأسیس نهادهای جدیدی در اداره امور و قانون‌گذاری از مجلس و تدوین قوانین اساسی و مدنی به‌عنوان نخستین جریان مدرن در ایران سکان هدایت را در اختیار گرفت (آدمیت، ۱۳۴۰: ۲۴۷).

سنت‌گرایی با وجود اینکه از جهت قرارداد داشتن در گفتمان سنتی با یکدیگر اشتراک داشته‌اند، اما از نظر اهداف و رسالت اختلافات اساسی با یکدیگر داشته‌اند؛ ولی

در عین حال می‌توان شاهد شکل‌گیری جریان نوظهوری با عنوان "نوگرایی دینی" در عرصه مذهب و تجدد بود که سعی و تلاش این جریان ایجاد سازگاری میان تجدد و مذهب با عناصر پیش‌گفته مبتنی بر علم‌گرایی، تکنولوژی بوده است که از آن جمله می‌توان از افرادی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، آیت‌الله نایینی، حاج اسدالله مقانی، ملا عبدالرسول کاشانی و دیگر علمای نوگرا در ایران و جهان اسلام یاد کرد (آجدانی، ۱۳۸۳) یاد کرد. باتوجه به این که همه ایدئولوژی‌ها در فرایندی متمایز و باتوجه به عنصر غیریت‌سازی به شکلی طبیعی، هویت خود را شکل می‌دهند

(D.Volkan,1985:219- 243)

گفتمان انقلابی در ایران حاصل تلاشی مداوم و تحت شرایط زمانی و بومی خاص خود است که باتوجه به عناصر و پدیده‌ها موجود در فضای ایران به‌عنوان رویدادی تحول‌آفرین و مجزای از سایر گفتمان‌های موجود قابل بررسی است (رهبری، ۱۳۸۶: ۹۱). با نظر داشت نکات فوق باید گفت؛ شکل‌گیری گفتمان «غیریت‌سازی» در اهداف و کلام امام خمینی (ره) عاملی بر پیدایش گفتمان انقلابی در ایران است. در این فرایند، ناخرسندی از وضعیت موجود در عرصه‌های داخلی و جهانی و نفی آنها، آینده را قابل‌پیش‌بینی و مسیر حرکت انقلاب اسلامی و مردم سالاری دینی را از قبل ترسیم کرده، به‌طوری‌که می‌توان برای آن برنامه‌ریزی نمود (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۴۴-۱۳۱) که در اهداف آن، جایی برای فقر، بی‌عدالتی‌ها، نابرابری‌ها، ظلم و ستم، استثمار و استعمار نخواهد بود (مانهایم، ۱۳۸۰). این گفتمان دارای معانی و عناصر خاصی بوده که آن را از دیگر انقلاب‌های عصر خود متمایز می‌سازد و معانی جدیدی را از مفاهیم شناخته و ناشناخته برای ذهنیت‌های مختلف عام و خاص در عرصه سیاست و حکومت شکل‌بندی می‌کند که در ادامه به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.

۴- ماهیت گفتمان امام خمینی

گفتمان امام خمینی (ره) در ادبیات انقلاب اسلامی مشتمل بر دو وجه ماهیتی است که می‌تواند بیانگر ابعاد سیاسی - اجتماعی ادبیات جهان اسلام در تقابل طبقه محروم و ساده‌زیست با کاخ دولتمردان، رفاه‌طلبان در روابط داخلی و ارتباطات خارجی باشد.

۴-۱- ماهیت ایجابی و سلبی در گفتمان امام خمینی (واژگان تقابلی)

گفتمان امام خمینی (ره) برخوردار از ماهیتی ایجابی و سلبی است. در این گفتمان، تضاد بین واژه‌ها همچون؛ مستکبرین و مستضعفین زاغه‌نشینان، کاخ‌نشینان، خودی و اجنبی عاملی بر وحدت مجموعه نیروهای طرفدار انقلاب علیه اجانب و ایادی بیگانگان بود؛ زیرا، بر این باور بودند که «اسلام سدی است در برابر اجانب شرق و غرب» است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۳۹) باهدف انگاری ابزارها در توسعه کفر ستیزی و ایمان محوری در جنگ فقر و غنا با محوریت همگرایی نیروهای خودی برای فارغ شدن از سلطه اجنبی است که این ماهیت در کلام «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» تبلور یافت.

۴-۲- ماهیت تعاملی واژگان در گفتمان امام خمینی

امام خمینی (ره) پاره‌ای از واژه‌ها را به‌صورت انضمامی در کنار یکدیگر به کار می‌بردند. چنان که شاهد هستیم «استقلال و آزادی» که عدم وابستگی به شرق و غرب و آزادی اسلامی در حد قانون همچنین وحدت «حوزه» و «دانشگاه» به‌عنوان دو نهاد تعلیم‌وتربیت و تلقی آن حضرت از «علم و تعهد» ناظر بر منابع و ثروت‌های درونی و موجود است. این تعامل واژگان در کلام امام گویای ساختاری است که مبتنی بر مکتب الهی بوده که انسان را موجود آزاد با قدرت عقل و انتخابگر آفریده تا آزادی خود را مطابق با عقل و اندیشه دینی موردنظر قرار دهد و از مرز احترام به آزادی دیگران عدول نکند.

۴-۳- ابداع واژه‌گان در گفتمان امام خمینی (ره)

ابداع برخی واژه‌ها همچون «امت»، «طاغوت»، «یوم‌الله» و تعبیر «حج ابراهیمی» و «مراسم برائت از مشرکین» در این گفتمان خود نشان از جهت‌دهی و جهت‌گیری حرکت انقلابی با هویت اسلامی و استقلال سیاسی پیروان آیین اسلام در سرزمین طاغوت زده است.

تعبیری همچون؛ بسیج، استکبار، شیطان بزرگ و غده سرطانی خود واژگانی هستند که مسیر حرکت انقلاب اسلامی را ترسیم نمودند. چنان که شاهد هستیم این واژگان حرکت آفرین ذهن و اندیشه و همچنین فعل و عمل انسان‌های خودی در تعامل یا تقابل با غیرخودی است که ساختاری اجتماعی - سیاسی را برای توسعه اندیشه فرهنگ دینی به همراه دارد.

۵- محورها و مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی

با تعمق در ژرفای گفتمان امام خمینی و مفهوم‌سازی نظری و عملی در امر سیاسی و ارتباط میان دین و سیاست، در واقع، امام خمینی (ره) با ادبیات سیاسی خود و از طریق نهادینه‌سازی انقلاب در ابعاد سیاسی و در حوزه‌های داخلی و خارجی، در فرایند کار سیاسی ایران که مبتنی بر دین و عناصر دینی است توانستند تحولی شگرف ایجاد نمایند که از رهگذر کلام و پیام، ساختار سیاسی، روابط اجتماعی و فرهنگی، ادبی و هنری کشور و جامعه ایرانی را متحول کردند که جمهوری اسلامی تعبیری نهایی برای آن و نهادهای منتصب به آن است.

محورهای گفتمان انقلاب اسلامی

تضاد میان سنت و مدرنیته در ایران، سبب شکل‌گیری جریان‌های سیاسی، فکری فلسفی، دینی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی وسیع	گفتمان انقلابی دارای برنامه، رهبری، انسجام، هدف و از همه مهم‌تر ایدئولوژی
طرد دال‌های گفتمان پهلویسم همچون؛ وابستگی به غرب، استبداد، اقتدارگرایی، سکولاریسم، سلطنت طلبی	تأکید بر جنبه‌های منفی گفتمان پهلویسم و بازنمایی یک جامعه آرمانی با به‌کارگیری از سخنان و بیانی‌ها در طی سال‌های 56-57. به یک تصور فراگیر در جامعه ایرانی
نقش مردم در حکومت، قانون‌گرایی، در سخنان و بهانه‌ها	به‌کارگیری مفاهیمی چون؛ آزادی، برابری، عدالت
غیریت‌سازی با گفتمان‌ها و عناصری چون مارکسیست‌ها - ملی‌گراها - متحجرین - التقاطی‌ها - اشرافیت‌گراها و غرب‌زدگان	جذب اقشار مختلف جامعه
گفتمان فرهنگی امام خمینی (ره) با برگزیدن دال مرکزی حکومت اسلامی باهدف	به دنبال تغییرات اساسی به‌منظور دستیابی به مدینه فاضله

سرنگونی نظام شاهنشاهی	
هرگز در صدد آشتی با حکومت و ساختارهای حاکم نبوده	بهره‌گیری از واژه‌های دوگانه در تبیین تقابل و تباین، واژه‌های ادبی جدیدی وارد حوزه مبارزه شد.
گفتمان که به تفکر غالب میان همه گروه‌های سیاسی پس از دهه ۱۳۴۰ بدل گردید.	مخالفت این گفتمان با پی‌گرفتن روش‌های غیرمسالمت‌آمیز و رادیکال
	طرح‌ریزی حکومت و ساختارهای نوینی برای خود از پیش

تکوین و ظهور گفتمان امام خمینی با استفاده خاص از اصول و مبانی با توجه خاص به مقتضیات زمان و مکان و اخذ عناصری از سایر گفتمان‌های رایج در ایران تکوین یافت و توانست با مغلوب نمودن گفتمان مسلط و به حاشیه راندن گفتمان‌های دیگر همانند اسلام سنتی، سوسیالیسم، سلطنت مشروطه و غیره در آستانه انقلاب ۱۳۵۷ در ایران هژمونیک شود و به گفتمان حاکم و مسلط تبدیل شود.

جریان انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی بر تمام ناامیدی‌های سیاسی - مذهبی خط بطلان کشید و در مقابله با سیاست‌های پهلوی به ایده‌ای برای ساخت حکومت اسلامی تبدیل شد. به طوری که با پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران بعد از انقلاب، نظام جمهوری اسلامی ایران، بر دوپایه «جمهوریت و اسلامیت» بنا شد. گفتمان انقلاب اسلامی از منظر اندیشه‌های دینی و ارزش‌های معنوی به شکلی تلفیق گونه و جدایی‌ناپذیر دین و سیاست تأکید داشته و بر این مبنا دولت و سیاست را برگرفته از مبانی وحی و تبیین آن از سوی مرجعیت غیرسنتی با طرح اسلام سیاسی، ارائه الگوی سیاسی برای اداره جامعه در قالب و شکل حکومت اسلامی را تنها راه‌حل بحران‌های جامعه سیاسی معاصر می‌داند.

مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی

آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی: (استبداد ستیزی و ضدیت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری) نیز به‌مثابه دال‌های مرکزی و شناوری بودند که	گفتمان اسلام سیاسی: باتوجه‌به جنبه‌های سیاسی‌شدن مذهب و حضور فعالان سیاسی - مذهبی، جریانی نوین از اسلام و رهبری آن با
--	---

<p>نظر داشت گفت‌وگوهای اسلامی در جامعه ایران رشد کرد و توانست در یک فضا و قالب استعاره‌ای، گفت‌وگوهای سیاسی را با خود همراه سازد و در فضای انقلاب دینی، بر گفت‌وگو حاکم غالب شود.</p>	<p>قوام گفت‌وگوهای انقلاب اسلامی و نهادینه شدن عمیق عناصر نظام توانسته در مسیر خود استحکام بیشتری یابد.</p>
<p>احیای اخلاق و کرامت انسانی: گفت‌وگوهای امام، با نظر داشتن عوامل مادی و تاریخی چون زبان، تاریخ، مرز جغرافیایی و... بر عوامل معنوی چون توحید، معنویت، اخلاق و ارزش‌ها و باورهای اصیل و انسانی تکیه دارد.</p>	<p>انقلاب عقلانی و انسانی: نظریه گفت‌وگوهای انقلاب اسلامی، همچنین رهیافت‌های عقل‌گرایانه در تحلیل سیاسی با تأکید برای پیشرفت بیشتر، در مسیر انقلاب عقلانی و انسانی، در کنار بر ساخت و توسعه ایران تأکید دارد.</p>
<p>توسعه و نجات اقتصادی: رونق اقتصادی که منجر به افزایش سطح اشتغال و بهبود معیشت مردم گردد تا بتوانند زندگی آرام‌تر و راحت‌تری داشته باشند. نجات اقتصاد، احیای اخلاق و تعامل با جهان در گفت‌وگوهای انقلاب اسلامی طرح می‌شود.</p>	<p>دولت مردم و مردم‌سالاری دینی: از رهگذر تلفیق سطوح تحلیل داخلی و خارجی؛ تأکید بر ضرورت حضور گسترده مردم در صحنه در واژه «جمهوری اسلامی» بازتابیده شد و در صحنه عمل در نظام مردم‌سالار دینی تجلی یافت.</p>
<p>پیشرفت علمی و تکنولوژی: گفت‌وگوهای انقلاب اسلامی، توسعه پایدار علمی مبتنی بر ایفای نقش فعال در عرصه تحول علمی و دانش جهانی با ظهور تکنولوژی و بهره‌گیری از آن به شکلی نهادینه و با طراحی نقشه راه علمی و تولید دانش متناسب با فرهنگ بومی زمینه‌ساز جهش تمدنی را بر اساس تولید فکر، علم و دانش در جهان پیچیده ارتباطی را دنبال می‌کند.</p>	<p>آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی: آزادی مبتنی بر حقوق انسانی و حق طبیعی بشر است و قانون اساسی به مردم آزادی داده است و بر استقلال کشور از اجانب و نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری تأکید کرده است.</p>

۶- کارکرد گفتمان امام خمینی

نگاه امام به سیاست، تعیین مسیر هدایت و کمال انسان‌ها است. براین اساس، می‌توان گفت که از دیدگاه امام خمینی، سیاست، دانش فضیلت و عدالت و هدایت انسان در مسیر این دانش و خداگونه شدن است و ساخت جامعه بر این دیدگاه، بهره‌گیری از ابزار اندیشه، گفتمان کارآمد، نهادهای جهادی، رهنمودهای دینی برای اتخاذ بهترین تصمیم در سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی و در راستای تأمین امنیت در حوزه‌های مختلف است.

۶-۱- اسلام به‌عنوان دال برتر گفتمان انقلاب

باتوجه به مبانی نظری امام خمینی در فرایند شکل‌گیری حکومت اسلامی مبتنی بر گفتمانی انقلاب اسلامی که در آن اسلام به‌عنوان دال برتر که ریشه در سنت و مکتب اسلام شیعی داشت در دهه پنجاه خورشیدی گفتمان فرهنگی امام خمینی (ره) با برگزیدن دال مرکزی حکومت اسلامی و باهدف سرنگونی نظام شاهنشاهی تحول گفتمانی پیدا می‌کند که در این برهه مهم‌ترین غیرهای گفتمانی آن، گفتمان شاهنشاهی و گفتمان اسلام غیرسیاسی است که چون برخلاف گفتمان مشروطه دارای رهبری قدرتمند، برنامه‌ای مشخص، انسجام درونی و بیرونی با هدفی در دورنمای از قبل ترسیم شده، یعنی پیاده‌کردن احکام و دستورات مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی و با دنبال‌کردن تغییرات اساسی در حوزه‌های مختلف به‌منظور دستیابی به مدینه فاضله‌ای بود (Keddie, 1983:576) می‌بایست

گفتمان انقلابی را طرحی نو در تاریخ خواند که حتی آن را از سایر انقلاب‌های هم عصر خود نیز متمایز می‌سازد مطابق با دیدگاه فوکویی که مذهب را چون روح در یک جهان بی‌روح معرفی می‌کند (فوکو، ۱۳۷۹: ۲۰)، پس از دهه ۱۳۴۰ این گفتمان به تفکر غالب میان همه گروه‌های سیاسی بدل گردید و در نهایت با پیروزی عناصر دینی و معنوی در جهان کاملاً "دوقطبی سکولار و لائیک" الگویی نو در جریانات سیاسی - اجتماعی خلق نمود به طوری‌که این نوع جنبش تحول‌آفرین، طبق الگوهای غالب توسعه

خطی و نظریه تکامل تاریخی هگل و داروین (سوسور، ۱۳۷۸: ۳۵) غیرقابل انتظار محافل فکری و اندیشه ورزان جامعه شناسی بود.

دال مرکزی در اهداف امام خمینی مطابق با ساختاری ایدئولوژیکی است که با محوریت احکام الهی نهادینه کردن فضایل اخلاقی در جامعه خودی توان پایان ناپذیر نشر فرهنگ دینی را افزایش داد تا در این رویکرد، عدالت اجتماعی نیز به دوام نشر فرهنگ دینی کمک کند و حیات انسان‌ها را با حفظ امنیت محیطی و معنوی به مدینه فاضله نزدیک نماید و جامعه ایران از اضمحلال فرهنگ دینی و سلطه تفکرات وابسته به غرب نجات یابد.

۶-۲- فراگیری و عام بودن گفتمان انقلاب

امام خمینی اسلام سیاسی را به‌عنوان گفتمانی تأثیرگذار و کارآمد در برابر گفتمان حاکم مطرح نمود (خرمشاد؛ جمالی، ۱۳۹۷: ۴۸). بر همین اساس، ایشان با تأکید بر جنبه‌های ملموس گفتمان حاکم که در زندگی مردم و جامعه ایران علیه ارزش‌های اسلامی و در تعارض و تعارض با محورهای شریعت بود از طریق بیان شفاهی و مکتوب ایده‌های گفتمان مبتنی بر دال مرکزی طی دوره زمانی سال‌های ۵۶-۵۷ به بازنمایی جامعه آرمانی با محوریت اسلام پرداخت که با حمایت توده‌های مردم به تصویری فراگیر و پذیرفته شده در جامعه ایران شد و از آن‌پس نیز با بهره‌گیری از مفاهیم؛ آزادی، عدالت و سیاست در اسلام و توجه به نقش مردم در سیاست و حکومت و دولت اسلامی، زمینه‌های جذب مردم را به گفتمان خود که محور دین و سیاست استوار بود فراهم نماید (فرجی، ۱۳۹۰: ۲۰۴). در این رویکرد، یکی از ملزومات اساسی جامعه اسلامی، تقویت سرمایه اجتماعی به‌منظور دستیابی به اهداف والای نظام سیاسی - اسلامی است که از مفاهیم به‌عنوان گفتمان انقلاب اسلامی به‌مثابه پایه و شالوده سرمایه اجتماعی برای رسیدن به اهداف تعیین شده بر پایه اعتماد عمومی بهره‌مند بوده و می‌باشد (افتخار افصلی، ۱۴۰۲: ۲۴). سرمایه اجتماعی به‌عنوان اهرمی پیش‌برنده و خارج از جنسیت و مقاطع سنی مورد توجه سوژه‌های تحول‌آفرین از جمله گفتمان امام خمینی (ره) بوده است؛ از این‌رو در این گفتمان نقش‌آفرینی زنان حائز اهمیت بوده و می‌باشد. چرا که زنان همواره یکی از اقشار بسیار مهم و تأثیرگذار در جامعه ایران محسوب

می‌شوند و در ادوار مختلف نیز نقش و مشارکت به سزایی در تحولات سیاسی اجتماعی ایران داشته‌اند. در گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر اندیشه امام خمینی (ره) زنان یکی از مهم‌ترین اقشار هستند که به اندازه مردان و حتی بیش از مردان نقش بسیار مهمی در جنبش‌های سیاسی - اجتماعی از جمله پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع از اصول آن داشته‌اند (بلباسی؛ حسینی زاده، ۱۴۰۲: ۱). همچنین در حوزه فراگیری و عام بودن گفتمان انقلاب، نهادسازی با معیارهای بومی و مبتنی بر تفکر اسلامی، جمهوریت با شرایط خاص بومی و هنجارهای اجتماعی جامعه اسلامی ایران سازگار گردید و با پشتوانه مردمی و آحاد مردم به حیات خویش ادامه داد.

۶-۳- دین و سیاست در گفتمان انقلاب اسلامی

امام خمینی با تعریفی که از سیاست از یک سو و دین از سوی دیگر ارائه می‌دهند به شدت از ارتباط دین و سیاست حمایت کرده و آنها را یک مقوله واحد و عین هم می‌دانند و معتقدند که طرح عدم ارتباط دین و سیاست و سکولاریسم، به شدت با اندیشه دینی بیگانه است. بر اساس دیدگاه امام خمینی، نوع نگرش به سیاست مبین محتوای آن یعنی دانش فضیلت و عدالت و هدایت انسان در مسیر این دانش و خداگونه شدن است؛ لذا نگرش مادی‌گرایانه، سیاست منفعت‌طلبی را با خود دارد که چنین سیاستی از اساس باطل است.

در نگاه امام خمینی، نوع نگرش ما نسبت به سیاست تعیین‌کننده مفهوم و محتوای آن است. بر همین اساس سیاستی که بر اساس نگرش مادی‌گرایانه محض و منفعت‌طلبی فردی یا گروهی به وجود می‌آید، سیاستی است شیطانی است. از دیدگاه امام خمینی، سیاست، دانش فضیلت و عدالت و هدایت انسان در مسیر این دانش و خداگونه شدن است و جدایی دین از سیاست نفی شده که بیان امام به پویایی دین و نگرش اکثری ایشان به اسلام بود. (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۰۰) تعبیری در آثار ایشان آمده است که همه مؤید این معناست. چنان که نخستین رساله اسلام سیاسی در این دوره به نگارش درآمد و ایشان مناصب حکومتی به‌عنوان نوعی خدمت و مسئولیت در جهت حفظ اسلام که امانت الهی است تلقی می‌نمودند.

۶-۴- معنویت‌گرایی در گفتمان انقلاب اسلامی

دین و سیاست در نگاه امام یکی از مفاهیم محوری و سنگ بنای اساسی اندیشه نظام سیاسی است که شکل گفتمانی خاص و فراگیر همراه با مدلول‌های سیاسی - معنوی و نظر داشت ارزش‌های رفتاری مبتنی بر دال مرکزی، توانست متن و زمینه فضای موجود را دچار تحولی ژرف و گسترده کند؛ به طوری که می‌توان اندیشه سیاسی امام خمینی را در این موضوع جستجو کرد که در آن انسان‌ها برخوردار از انواع عواطف، گرایش‌ها و معارفی الهی و فطری هستند (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۱۸۰) در این دیدگاه، انسان موجودی است که بالقوه توانایی و استعداد رسیدن به بالاترین مراتب کمال معنوی را دارا است، ضرورت ارسال انبیای نیز به همین تکامل‌پذیری و تکامل طلبی انسان بازمی‌گردد (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۶۴). با این وصف است که گفتمان امام خمینی مبتنی بر معنویت‌گرایی و ارزش‌های معنوی است تا ابعاد مختلف انسان را تعالی بخشد و به جرئت می‌توان گفت در گفتمان انقلاب اسلامی، دیگر عناصر در خدمت این هدف مقدس هستند. چرا که هدف خلقت جز هدایت، رسیدن انسان به معنویت و تقرب الهی نیست و این پیام تمام پیامبران الهی بوده است.

۶-۵- امنیت و هویت بخشی گفتمان انقلاب اسلامی

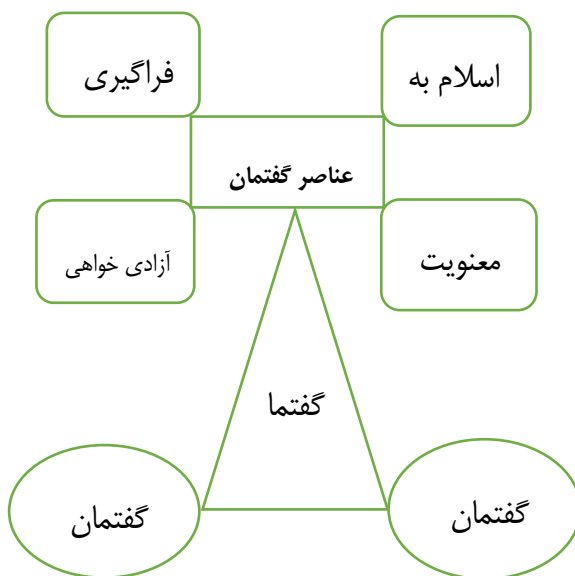
امنیت به عنوان عنصری فراگیر در عرصه‌های اجتماعی، ملی و به‌طور کلی عاملی تأثیرگذار بر روابط درون‌گفتمانی و خارج آن به عنوان عنصر و عاملی ارزشمند در خدمت تعالی اهداف گفتمانی برای نیل به سعادت پایدار در ابعادی گسترده نزد امام خمینی مورد توجه بود (درویشی، ۱۳۸۹: ۵۶)، چرا که عامل پایداری اجتماعی، مبتنی بر کسب آرامش در راستای بقای جامعه اسلامی، حفظ و تداوم ارزش‌های الهی است که به مسلمانان هویت و لذا، تهدید ارزش‌ها خود تهدیدی امنیتی علیه جامعه اسلامی است؛ بنابراین این تهدید از نوع هستی‌شناسانه و هویتی خواهد بود (درویشی، ۱۳۸۹: ۷۷) که امام خمینی از این رهگذر توانست الگویی حکومتی را ارائه دهد که جمهوریت با معیارهای دال مرکزی یعنی اسلام به شکلی خاص و باتوجه‌به شرایط خاص بومی و هنجارهای اجتماعی جامعه ایران به شکل وحدت‌بخشی و هویت‌سازی در درون نظام

مردم‌سالار دینی با عناصر امنیت در فضای سیاست خارجی و کارکرد وحدت‌بخش داخلی به منصفه بروز رساند. چنان که گفتمان ایشان در باب امنیت مؤید این است؛ «تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۲۵۱)، وقتی می‌توانیم با قدرت‌های بزرگ مقابله کنیم و آسیب‌پذیر نباشیم که متعهد به اسلام، متعهد به احکام اسلام باشیم. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۳۲۶)، «من اطمینان دارم که تا این ملت توجه به خدا دارد، هیچ قدرتی نمی‌تواند به این آسیب برساند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۲۱). ایشان به کرات و در مناسبت‌های مختلف همگان را به نقش مردم در امنیت‌سازی توجه دادند. این گفتمان مردم را جدای از امنیت نمی‌داند و امنیت را نعمتی الهی دانسته که برای اهداف تعالی انسان در مسیر تعبد و فعل نیک و در نهایت اصلاح جامعه بشری ضروری است.

۷- ترسیم مدل گفتمان هژمونیک انقلاب اسلامی

مدل مؤلفه‌های هژمونیک انقلاب اسلامی در گفتمان امام خمینی مبتنی بر چهارعنصر اساسی است که؛ اسلام به‌عنوان دال برتر، فراگیری و عام بودن گفتمان انقلاب آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی، معنویت‌گرایی و رهبری امام، گفتمان آرمان‌گرایی دینی و انقلابی. همچنین در مدل فوق گفتمان انقلاب اسلامی در دو حوزه؛ گفتمان دموکراتیک دینی و گفتمان انقلاب اسلامی قابل تحلیل است (رازانی، محمدزاده، ۱۴۰۰: ۱۰۸).

مدل مفهومی گفتمان هژمونیک انقلاب اسلامی



منبع: یافته‌های نظری

برای تبیین مدل پژوهش باید گفت که در دوره کوتاه حاکمیت دولت موقت، گروه‌های اسلام‌گرایی که احساس یگانگی بیشتری با دیدگاه‌های امام داشتند از سال ۱۳۶۰ به بعد در ساخت اسطوره سیاسی انقلابی، غرب‌ستیز، سازش‌ناپذیر و طالب حاکمیت اسلام ناب، موفقیت شایانی کسب کردند و به گفتمان مسلط در نظام جمهوری اسلامی تبدیل شدند و عناصر گفتمانی اسلام‌گرایی آرمان‌خواه تثبیت گردید. در این فرایند گفتمان انقلاب اسلامی در دوره تثبیت انقلاب و حکومت اسلامی، طرحی از حکومت مبتنی بر اصول قانون اساسی و حقوق و آزادی‌های ترسیم شده، تدوین و چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی را به صورت نظامند تعریف و تعیین نمود. این رویکرد اسلام‌گرایی در لایه‌های مختلف اجتماعی و عامه جامعه از اقبال سوژه‌سازی سیاسی و

توان بسیج اجتماعی که لازمه حرکت انقلاب است با رویدادهای دوره‌های اول انقلاب در نهایت آرمان‌گرایی، اسلامیت و انقلابی‌گری به‌عنوان گفتمان اصلی و برتر انقلاب اسلامی رویکرد مردم‌سالاری دینی همراه با پیامی دال بر این که؛ اسلام برای یک کشور، برای یک طایفه، حتی برای مسلمان نیست و اسلام برای بشر آمده است... ما امیدواریم که این امر مهیا بشود (تاجیک، ۲۰۰۴: ۷۵) که هدف آن تداوم انقلاب اسلامی مردم مسلمان ایران و تلاش جهت استقرار نظام عدل اسلامی در سراسر جهان تحت رهبری ولی‌فقیه در زمینه‌های معنوی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی بود (جاسبی، ۲۰۰۸: ۱۵۸) جایگاهی نظامند یافت.

گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه سیاسی امام بر دو بُعد جمهوریت و ولایت‌فقیه تأکید داشت و آنها را محتوای حکومت اسلامی تلقی می‌کرد؛ ولی درعین حال و باگذشت زمان و حضور بازیگران سیاسی در بدنه این گفتمان، دال‌های شناور و عناصر پایبند به انقلاب اسلامی، منازعه گفتمانی را شکل دادند که به مفصل‌بندی گفتمان‌های قدرتمند اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در زیر چتر انقلاب اسلامی منجر شد و دو گروه در عرصه قدرت و بازگیری سیاست کشور ظهور یافتند.

نتیجه‌گیری

امام خمینی مانند تمامی اندیشمندان سیاسی، ایده دولت با محوریت حکومت اسلامی را کانون نظریات سیاسی خود قرارداد و آن را به‌عنوان یک ضرورت اجتماعی - سیاسی برای پایه‌ریزی و اجرای فرهنگ اسلامی می‌دانست. ایشان با نظر داشت موضوع سیاست در دنیای معاصر که جز فراهم نمودن زمینه‌های سود اقتصادی و سلطه بر درآمدهای مالی هدفی ندارد زمینه ظهور گفتمان انقلاب اسلامی نه‌تنها در کلام بلکه در جامعه ایران عملیاتی کرد.

گفتمان انقلاب اسلامی که منجر به شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران گردید، بر دوپایه «جمهوریت و اسلامیت» به‌عنوان دال مرکزی و اصلی استوار بود. بر اساس یافته‌های نوشتار پیشروی، جمهوریت در اندیشه امام خمینی (ره) در کنار اسلامیت از

ارزشی والا برخوردار است و لذا می‌توان اذعان نمود که؛ شکل «حکومت جمهوری اسلامی»، الگویی نو از برداشت تفکر سیاسی - ارزشی از جامعیت اسلام برای اداره جامعه در عصر جدید است که تابع آرای ملت است و چیزی از درون نظام بر مردم تحمیل نمی‌شود و در این نظام، آزادی اندیشه مایه پرورش استعدادها و زندگی در فضای آزاد، زمینه‌ساز رشد و تعالی انسان و مایه رضایتمندی شهروندان از نظام سیاسی و در نتیجه برقراری امنیت و مشروعیت است.

در گفتمان انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی، جمهوری اسلامی ایران، دولت به‌عنوان نهاد اصلی اجرایی حاکمیت، پاسخگو، مشارکت‌جو، توسعه‌گرا، تکثرگرا و تسهیل‌کننده امور با حداقل مداخله‌گری و تصدی‌گری در امور خصوصی است. در این رویکرد، جامعه اسلامی، جامعه تک‌گویی نیست، بلکه جامعه‌ای مشورتی، ارتباطی و گفتگویی و انتقادی است. از این رو، دولت با حداقل مداخله‌گری و تصدی‌گری با مردم، جامعه مدنی و بخش خصوصی به ساماندهی امور و حل و فصل مشکلات ملت می‌پردازد بر اساس نظریه گفتمان ضمن هویت‌سازی خود و اثبات گفتمان انقلاب اسلامی در مقام نفی وضع موجود جهان که تحت سلطه استکبار است، تلاش در تغییر وضع موجود دارد که در آن اصول برقراری روابط حسنه با سایر کشورها دولت‌ها و ملت‌های (غیر متخاصم)، احترام متقابل، بر اساس اصل عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، تأمین منافع و مصالح ملی را مورد توجه قرار داده است.

منابع

۱. آدمیت، فریدون. (۱۳۹۴). *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت*. گستره.
۲. افتخار افضل، سید حسین. (۱۴۰۲). "سرمایه اجتماعی در جهان بینی اسلامی: مورد مطالعه تحلیل مضمون اعتماد عمومی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله العالی)". *فصلنامه گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی*. دوره ۲، شماره ۴، شماره پیاپی (۸)، زمستان، ص ۲۴-۵۳.

۳. بلباسی، میثم؛ حسینی زاده، سید ابوالفضل. (۱۴۰۲). "گفتمان دفاعی انقلاب اسلامی با تأکید بر مشارکت زنان در امور دفاعی." *فصلنامه گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی*. دوره ۲، شماره ۴، شماره پیاپی (۸)، زمستان، صص ۱-۲۳.
۴. تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۳). *گفتمان، ضد گفتمان و سیاست*. پژوهشگاه تحقیقات و علوم انسانی، تهران.
۵. جمشیدی محمدحسین. (۱۳۸۴). *اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*. پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، تهران.
۶. خرمشاد، محمدباقر؛ جمالی، جواد. (۱۳۹۷). "امر سیاسی، شکل‌گیری و هژمونیک شدن گفتمان انقلابی اسلام سیاسی در ایران." *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*. انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران. سال هفتم، زمستان، شماره ۷۲، صص ۴۴-۷۲.
۷. خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۹). *صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)*. طبع و نشر.
۸. خمینی، سید روح ا... (۱۳۷۰). *حکومت اسلامی، تهران*. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. خمینی، سید روح ا... (۱۳۸۵). *صحیفه امام*. تهران: انتشارات عروج، جلد سوم.
۱۰. خمینی، سید روح ا... (۱۳۹۴). *شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۱. درویشی، فرهاد. (۱۳۸۹). "ابعاد امنیت در اندیشه و آرای امام خمینی (ره)." *فصلنامه مطالعات راهبردی*. سال سیزدهم، شماره سوم، پاییز، شماره مسلسل ۴۹، همراه با تغییراتی در فرم جدول.
۱۲. دهشیری، محمدرضا. (۱۳۸۸). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. (حوزه درسی). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۳. رازانی، احسان، محمدزاده، علی. (۱۴۰۰). "گفتمان هژمونیک انقلاب اسلامی و خرده گفتمان‌های درونی نظام جمهوری اسلامی ایران در دوران رهبری امام خمینی (ره)." *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. اردیبهشت، دوره ۱۱، شماره ۳۸، شماره پیاپی ۳۸، صص ۹۱-۱۱۳.

۱۴. رهبری، مهدی. (۱۳۸۶). "شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران." فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست. سال نهم، شماره ۲۳، پاییز و زمستان، صص ۱۴۴-۸۹.
۱۵. ضمیران، محمد. (۱۳۷۹). *ژاک دریدا و متافیزیک حضور*. تهران: هرمس.
۱۶. فرجی، زینب. (۱۳۹۰). *علل ظهور و گسترش گفتمان‌های مبارز دینی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ در ایران*. (پایان‌نامه). دانشگاه مازندران، ناظر، حسین رفیع، محمد سالار کسرای.
۱۷. فردینان دو سوسور. (۱۳۷۸). *دوره زبان‌شناسی عمومی*. (صفوی، ک). تهران: هرمس.
۱۸. فوکو، میشل. (۱۳۷۹). ایران: روح یک جهان بی‌روح؛ و نه گفتگوی دیگر با میشل فوکو. (سرخوش، ن؛ جهان دیده، ا). تهران: نی.
۱۹. کاتوزیان، محمدعلی همایون. (۱۳۷۴). *کارل پوپر و فقر تاریخ‌گرایی*، در چهارده مقاله در ادبیات، اجتماع، فلسفه و اقتصاد. تهران: مرکز.
۲۰. کریمی، علی. (۱۳۸۹). "تأملی معرفت‌شناسانه در مسئله امنیت ملی از نگاه امام خمینی (ره)." *فصلنامه مطالعات راهبردی*. شماره ۲۶.
۲۱. مانهایم، کارل. (۱۳۸۰). *ایدئولوژی و اتوپیا، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شناخت*. (مجیدی، ف). تهران: سمت.
۲۲. مایکل پین، لاکان؛ دریدا، گریستوا. (۱۳۸۰). *زبان اثر: زبان متن نوشتاری یا گفتاری و مانند آن*. (یزدان جو، پ). تهران: نشر مرکز.

23.D.Volkan. Valmik . (1985). *the Need to Have Enemies and Allies*. Political Psychology.6.

24.Jasbi, Abdollah . (2008). *Islamic Republic Party, Office of Research and -Compilation of the History of the Islamic Revolution*. (In Persian)

25. Keddie. N.R . (1983). "Iranian Revolutions in Comparative Perspective." *American Historical Review*, 88.